

# نظری بتشکیلات فرهنگی

## دنیای متمدن!

- \* سخنی با طرفداران فرهنگ ممالک متمدن
- \* معنی فرهنگ چیست ؟
- \* فرهنگ بتمام معنای کلمه در این ممالک نیز وجود ندارد .
- \* سه نکته قابل توجه .

\* \* \*

### سخنی با طرفداران فرهنگ ممالک متمدن .

در دو مقاله گذشته اصول نواقص فرهنگ بطور اختصار مورد بحث واقع شد و روشن گردید که دستگاه، تربیتی فعلی ایران با همه تشکیلات عریضی که دارد توانائی و قدرت بهره برداری صحیح از نیروهای نهفته در نسل جوان را ندارد و بیک سلسله اصلاحات عمیق دامنه دار در تمام شئون فرهنگ احتیاج مبرمی هست بعضی از افرادی که بفرهنگ کشور های اروپا حسن نظر دارند اصرار دارند که اساس اصلاحات را باید تشکیلات و مقررات و سازمانهای فرهنگی ممالک اروپا و امریکا قرارداد. از افکار مترقی آنان کسب فیض نمودا و از تمام برنامههای اصلاحی آنها بدون در نظر گرفتن شرائط خاص ممالک تقلید نمود ، این سنخ فکر افراطی دارد کم کم در افکار خام و تند بعضی از جوانان ریشه می دواند می توان بجزئیات ادعا کرد که قسمت عمده نواقص فرهنگ ما و پائین بودن سطح معلومات عمومی و فقدان برنامههای تربیتی جامع ؛ معلول همان فکر حاد افراطی بعضی از اولیای فرهنگ در گذشته بوده است که دانسته یا ندانسته فرهنگ را باین وضع نامرتب در آورده اند . آنها بخیال خود خواستند از راه دلسوزی فرهنگ ایران را بپایه فرهنگ مترقی ترین ممالک جهان برسانند لذا آمدند اساسنامه فرهنگ ایران را از اساسنامه کهنه فرانسه اقتباس کردند و گمان کردند که ایران دیگر بهشت برین خواهد شد .

اکنون برای اینکه باین نحو فکر که فعلا طرفداران زیاد دارد بررسی شود که تا چه حد صحیح است و در ضمن دانسته شود که فرهنگ در ممالک اروپا و امریکا و شوروی بتمام معنای کلمه دنبال نمی‌شود تا شاید خود را نیازم و ذخیره‌های علمی خود را حقیر شماریم مقدمه لازم است معنی فرهنگ را بدانیم:

### معنی فرهنگ چیست ؟

کلمه فرهنگ مثل غالب الفاظ با اختلاف انظار و یا مانوس بودن دائم باشغلی و یا مرامی و یا تخصصی در بعضی از رشته‌های علوم ؛ معانی مختلفی پیدا کرده است، اینک بعضی از آن معانی را از باب نمونه ذکر می‌کنیم :

۱- «دوروبرتی» جامعه شناس بزرگ روسی فرهنگ را عبارت از: «مجموعه افکار و معاومات اعم از نظری و عملی می‌داند»

۲- «گراهام والاس» جامعه شناس انگلیسی می‌گوید: «فرهنگ عبارت است از توده‌ای از افکار و خصائل و اشیاء که از نسل‌های پیشین بعنوان میراث بمارسیده است»

۳- بعضی‌ها فرهنگ را در معنای انسان در اصلاح زندگی خود خلاصه کرده اند

۴- «ادوارد تایلر» جامعه‌شناس انگلیسی در معنی فرهنگ چنین می‌گوید: «فرهنگ عبارت است از: مجموعه دانش و افکار و آراء و هنر و اخلاق و قوانین و مقررات و سایر استعدادها و عاداتی که انسان بعنوان عضو یک جامعه کسب کرده است» (۱)

این تعریف برای فرهنگ وسیع‌ترین و جامع‌ترین معنایی است که شده است و اغلب علماء فن تربیت نیز این تعریف را آبی‌دمی کنند و علاوه بر این با معنای عرفی فرهنگ نیز که عبارت از تربیت است بیشتر سازگار می‌باشد.

مطابق این تعریف فرهنگ مترقی از تربیت خاصی است که دانش و افکار در یک سطح عالی قرار گرفته و فضائل اخلاقی در متن اصلی برنامه‌های فرهنگی بوده و تمام استعدادها نهفته انسانی بروز کرده و بنحوا حسن از آنها بهره برداری شود و در مقابل آن فرهنگ عتب افتاده فرهنگی است که هیچیک از صفات و خصوصیات مذکور را بطور کامل دارا نباشد .

### فرهنگ بتمام معنای کلمه در این ممالک نیز وجود ندارد

با توجه بمعنای اخیر یک برای فرهنگ گفته شد فرهنگ ممالک اروپا و امریکا و شوروی در پیشرفت خود باین حد نرسیده است زیرا در این ممالک جهات روحی و فضائل اخلاقی و بروز بعضی از استعدادها نهفته انسانی کمتر مورد توجه واقع شده و باصطلاح مرکز

فعالیت، سعی و کوشش درجہات مادی فرهنگ قرار گرفته و ازجہات معنوی فرهنگ غفلت شدہ است .

آری ما انکار نمی کنیم کہ بعضی از ممالک در اکثر رشتہ های علوم مادی و صنعت و فلاح و اختراعات گامهای بزرگی برداشته و در سایہ اجراء برنامه های صحیح فرهنگی بترقیاتی نائل آمدہ اند و در نتیجہ سطح فکر آنها بالا رفته است و لکن می گوئیم کہ تبادل مابین جنبہ های روحی و مادی بہم خوردہ و در عرض ہم دیگر پرورش نیافتہ است یعنی در این کشورها با اندازہ ای کہ بہ پیشرفت علم طب و شیمی و فیزیک و فیزیولوژی و جراحی و ساختن مویشہای قارہ پیما و تحقیق در خواص مادہ و طریق استفادہ بہتر از آن اهمیت دادہ می شود بکنترل غرائز و راه استفادہ بہتر از قوای باطنی و تنظیم اعمال بر طبق قوای معتدل فطری را مورد مربوط بماوراء طبیعت و بحث در خواص آنها اهمیت قائل نیستند .

حتی در کشور شوروی با طرح برنامه های مفصلی بر اساس مرام حزب کمونیست با تمام برنامه های لازم روحی و مسائل غیر مادی جدأ مبارزہ می کنند و بعد از مطالعہ فرهنگ در شوروی این نتیجہ بدست می آید کہ هدف فرهنگ کمونیسم عظمت دادن بہ بنیان آن حزب در نظر کلیہ افراد مملکت از کودکی تا آخرین مراحل تحصیل و تسلیم و متابعت تام از دستورات دولتی و مرام کمونیستی است و اساس فرهنگ آنها تبلیغات مرام مزبور و تنظیم و نیایش در مقابل آن بودہ افراد مملکت خود را از ہر گونه اعتقاد بخلاف آنها و بحث در بارہ مسائل واقعی روحی بر حذر می دارد .

فرہنگ در شوروی بجای اینکہ بال و پر بفکر انسانی بدهد تا انسان آزادانہ بتواند در مسائل بزرگی کہ در محیط زندگانی خود دائم با آنها برخورد می کند بتدبیر بپردازد آنرا در تنگنای فشار می گذارد و راہ ہر گونه بحث و انتقاد و اعتراض را بروی بشر می بندد .

شاہد عمدہ براینکہ فرہنگ ممالک اروپا و امریکا نیز مانند شوروی خالی از نقص نیست ہما با وجود جنایات زیاد و اتفاقات ناگوار و انتحارهای بسیار و بیماریهای روحی و عصبی در آن کشورها است زیرا تربیت وقتی حالت متعادل را دارد کہ قوای ظاہری و باطنی انسان ہر دو مورد کنترل واقع شود و سعادت زندگانی معنوی انسان نیز کہ موجب ارتقاء بمقامات عالیہ بشری است با اندازہ کافی تأمین گردد و سستی و کوتاہی در این قسمت از احتیاجات معنوی و عدم توجہ بآنها ضربات غیر قابل جبران بکمالات واقعی انسان می زند و نظام و امنیت و سلامتی افراد بشر را مورد مخاطرہ قرار می دہد .

این نقص با صدای رسا اعلام می دارد که تربیت همه جانبه که سبب سعادت بشر است در ممالک بزرگ بطور کامل اجراء نشده است  
 از اینجا است که «می شنویم» رئیس جمهوری آمریکا موقعیکه بمسند ریاست جمهوری نشسته بود اعلان کرد که : فرهنگ آمریکا هنوز آنطوریکه باید نتوانسته وظیفه مهم خود را در ارشاد نسل جوان ایفاء کند و هنوز هم مظاهر عدم رشد فکری و عقلی در میان جوانان آمریکائی مشاهده می گردد و از برنامه های مهم من این است که با نواقص فرهنگ آمریکا مبارزه کنم . .

### سه نکته قابل توجه

در خاتمه گفتار لازمست سه نکته اساسی بکسانیکه سنگ طرفداری از فرهنگ ممالک دیگر جهان را پسینه می زنند گوشزد شود :

- ۱ - چنانکه مشاهده فرمودید فرهنگ ممالک مترقی جهان نیز خالی از نقص نیست با این وصف چگونه عقل آنها تجویز می کند که از اساس فرهنگ آنان باید تقلید کرد؟
- ۲ - اگر هم فرض کنیم که تشکیلات فرهنگی آنها هیچ نقص و عیبی ندارد ولی اساس فرهنگ آنها برای ممالک دیگر که در شرائط زندگی بخصوصی قرار گرفته و آداب و عادات و افکار خاصی دارند قابل عمل نیست ؛ لذا دیدیم که اساس و تشکیلات فرهنگ فرانسه مشکلات فرهنگی ایران را حل نکرد بلکه بر مشکلات آن نیز افزود و حتی مشکلات فرهنگی خود آنها را نیز رفع نکرد و لذا چندین بار تغییراتی در آن دادند.
- ۳ - ترقیات شگرف ممالک اروپا در علوم و فنون مرهون برنامه های قابل عمل اسلام میباشد و تنها دین اسلام است که اصول سعادت بشر و کمالات روحی و جسمی وی را در ضمن دستورهای خود با افراد انسان القاء کرده است پس فرهنگ مترقی و کامل بتمام معنای کلمه وقتی صورت عمل خواهد گرفت که قوانین و دستورات آسمانی اسلام اساس هر فعالیت فرهنگی بوده باشد این قسمت را انشاء الله در مقاله آینده تجزیه و تحلیل خواهیم کرد .

### قرجمه و پخش انجیل

در شماره گذشته مجله ، در مقابل سنگر تبلیغ ، با استناد به کتاب « علم و اجتماع » تألیف « نولاحداه » نوشته شده بود که انجیل به بیصد زبان ترجمه شده است . ولی چنانکه بعضی از خوانندگان دانشمند ما هم تذکر داده اند ؛ « انجیل تاکنون به هزار ۱۸۹ زبان ترجمه شده است (۱) و البته میدانید که در دنیا بیش از ۴۰۰ هزار زبان وجود ندارد . .

در مورد پخش انجیل هم کافیت بگوئیم که فقط سه مؤسسه نشر و پخش انجیل در آمریکا ؛ در حدود ۲۴ میلیون نسخه ؛ فقط در سال ۱۹۳۷ م پخش کرده اند . . اما مؤسسات دیگر ... در سالهای دیگر ... چه عرض کنیم . .

(۱) : کتاب « هزار زبان » تألیف و دکتر اریک نورث ، دبیر کل امریکین با بیل سوساتین ( انجمن امریکائی انجیل ) . . .

و شفقت ؛ عواطف و علائق و برادری مفهومی قائل نشویم ؛ و تمام این صفات بزرگ روحی را از برنامه زندگی خود حذف کنیم ؛ و روح عالی انسانی خود را بیک روح حیوانی تبدیل سازیم . و در این موقع يك حیوانی شده ایم که تمام هستی را برای خود خواسته ؛ و غیر از حب ذات هدفی دیگر نخواهیم داشت بلکه میتوان گفت که در میان چهار پایان و پرندگان مظاهری برای این خصال حمیده پیدا میشود ؛ زهی بدبختی و تیهکاریست که انسان با آن کمالات و آن صفات عالی خود را بقدری تنزل دهد که کمتر از حیوانات گردد .

**دوم :** بطور مسلم کمکها و تعاونهایی که ریشه آنها را علائق شخصی تشکیل دهد ؛ دوام - پذیر نیست ؛ زیرا هر گاه حکومت سرمایه داری ، پایه های ریاست خود را محکم و استوار به بیند و بتواند با تجهیزات مادی تمام صداها را در گلوها خفه کرده ، و جنبش ها و نهضت های طبقه رنجبر را تارومار سازد ؛ در چنین موقعیت هیچ محرکی برای تأسیس مؤسسات خیریه ، و شرکت های تعاونی ندارد ؛ و ناچار باید طبقه افتاده ، با وضع رقت باری بسر ببرد .

در اثر مستقیم همین روح مادیگری است که امروز در کشورهای که روح مادیگری در آنجا حکم فرماست ناچارند برای جمع آوری اعانه برادر مصیبت زدگان و آفت دیدگان دست بتأسیس مجالس خوشگذرانی و شمش و ترانی بزنند ، و با انعقاد مجالس رقص ؛ و راه انداختن گردن پارتی ، و اجراء برنامه هایی که با هوس های انسان هم آهنگ است ، مبالغی از تماشاچیان و شرکت کنندگان بگیرند ، و پس از کسر مخارج باقیمانده را ببلا دیدگان اختصاص دهند . این همان روح مادیگری و حظ ذات و شخص پرستی است ؛ که حاضر نیست به هیچ عنوانی ؛ در دفع نیازمندیهای دردمندان خرج کند ، مگر در آنجا در مقابل آن مبلغ يك نفع شخصی ؛ يك لذت نفسانی داشته باشد در حالیکه ضررهای اخلاقی این موضوع از منافع اقتصادی آن بمراتب بیشتر است .

### عالیترین برنامه های انسانی

اسلام که يك مکتب عالی انسانی و اخلاقی است ، معتقد است که تمام کمکها بایست يك ریشه معنوی ؛ و محرک خدائی داشته باشد ؛ علاوه بر اینکه حفظ و بقاء اجتماع را میخواهد ، به پرورش دادن صفات فردی اخلاقی مانند رحم و مروت و ... علاقه تامی دارد و لذا تمام انفاقها را در تحت شرایط معینی میپذیرد ، کردار افراد ریاکار را باطل میداند ؛ و اعمال کسانی را که محرک آنها جلب توجه مردم و تثبیت خوشنامی خود باشد پوچ و بی ارزش دانسته است . او معتقد است که بایست سرچشمه تمام خیرات و میرات خدا و جاب رضایت او باشد . و با کمال رغبت بدون اینکه امیال و توجهات مردم را در نظر بگیرند ، دیون واجب و مستحب خود را ادا کنند .

در آیهای ۵۳ و ۵۴ میفرماید : انفاق مردان منافق قبول نمیشود زیرا آنان : کفر و ابالاه

و رسوله : محرك حوائی ندارند ، و تمام کارهای نیک را از روی کراهت و بی رغبتی و ترس از حکومت اسلام صورت میدهند .

### آیا ثروت و فرزندان منافقان وسیله عذابند ؟

بی شك بایست گفت : که ثروت و فرزند از امور است که جنبه های مثبت و منفی دارد و هرگاه ثروت در طریق عبودیت و تحصیل بندگی و کسب فضائل اخلاقی ، و رفع نیاز - مندیهای طبیعی بکار رود طبعا یکمامل سعادت و رفاه خواهد بود .

ولی اگر مقصود از جمع ثروت ؛ تنها اندوختن اموال باشد و در طریق تحصیل آن مقید بامور اخلاقی و وجدانی نباشد در اینصورت نه تنها عامل سعادت نخواهد بود بلکه مقدمات سقوط اخلاقی و هدم کاخ محاسن اخلاقی را فراهم خواهد آورد زیرا عمر گرانهارا صرف کرده و متاعی خریده ؛ که هرگز دوام و ثبات ندارد .

هرگاه آدمیزاد دنیا را هدف قرار دهد نه وسیله ، خود دنیا را بخواهد ؛ نه آنچه را میشود ، بوسیله آن بدست آورد ؛ همواره این شخص خود را در کشاکش نیروهای مختلفی خواهد دید ، شب و روز آسوده نخواهد نشست ؛ در خواب و بیداری نقشه زیادی و فزونی آنرا خواهد کشید ، و در بیک عذاب روحی حرم و آزار معذب خواهد بود ؛ و هر چه ارقام ثروت بالا رود ؛ ولع شدیدی در خود احساس خواهد نمود . در نتیجه چیزی عائد او خواهد گردید که دوام و ثبات ندارد . حقا که این زندگی همان زندگی و ضنکی است که قرآن مجید درباره دنیا پرستان فرموده است : **و من اعرض عن ذکرى فان له همیشه ضنکا و نحشه يوم القيمة اعمى** ؛ « اگر کسی از یاد خدا روی گرداند یک زندگانی سخت و تنگ نصیب وی خواهد شد و در روز رستاخیز نابینا محسور میشود » .

مقصود از زندگی سخت و تنگ این نیست که از نظر زندگی لنگ و بیچاره گردد بلکه منظور ؛ همان عذابهای روحی است که همواره با چنین افراد دست بگر بهانست ؛ با داشتن ثروت سرشار هنوز میدان زندگی را برای خود تنگ دیده در فکر اقلیم دیگر است . بطور مسلم ، چشم پوشی از دنیا برای چنین افراد ؛ در لحظه مرك ، بسیار ناگوار و صعب خواهد بود .

ازین نظر قرآن میفرماید : **یا رسول الله ! ثروت و اولاد به حسب ظاهر برای منافقان وسیله نعمت است ؛ ولی در حقیقت نعمت و عوامل بدبختی است ، فالاتعجبیکم اموالهم و اولادهم انما یرید الله لیعذبهم بها فی الحیوة الدنیا تا آخر .**

آیه های پنجاه و پنج و پنجاه و شش ؛ اشاره بدروغ پردازی منافقان نموده و تظاهرات آنها را نسبت باسلام صوری دانسته است ؛ و میفرماید : **علت توقف آنان در مرکز اسلام (مدینه) از این نظر است که گریز گاهی ندارند ،**